

جنایت اول ماه مه ۱۴۰۰، در معدن طزره دامغان باز هم فاجعه آفرینی سرمایه داری و خصوصی سازی حاکم

امیر جواهری لنگرودی



رخداد مرگ دو کارگر جوان معدن کار، در معدن طزره دامغان از سلسله معادن چهارگانه البرز شرقی،
انگاری همه موجودیت موفقیت آمیز اول ماه مه، یازده اردیبهشت سال ۱۴۰۰ را سیاه و کدر نمود.

در ابتدای این یادداشت، این پرسش اساسی مطرح است: چه عاملی مرگ دو کارگر معدن طزره را
در روز تعطیلی اول ماه مه در شرایط جامعه ایران معنی می بخشد؟

پاسخ اینست که چرا باید کارگر در روز تعطیلی اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر،
بیرسکار باشند تا جان بسپارند و خانواده و جامعه ای را داغ دار خود سازند؟

شناسه معدن البرز شرقی:

در گفتگوی خبرگزاری مهر در معرفی این شرکت آمده است: «شرکت معادن زغال سنگ البرز شرقی
در سال ۳۹ آغاز به کار کرده است. حوزه فعالیت این شرکت در شرق سلسله جبال البرز از معادن
طزره در شمال شرقی شهرستان دامغان واقع در استان سمنان تا جنوب شهرستان مینودشت واقع در
استان گلستان قرار داشته و عمده فعالیت های آن شامل اکتشاف، بهره برداری از معادن و فرآوری برای
تأمین بخشی از کنسانتره زغال سنگ مورد نیاز کک سازی و استفاده در کوره بلند ذوب آهن اصفهان
به منظور فرآیند احیا سنگ آهن خلاصه می شود. کل معدن طزره دامغان اعتباری ویژه در نزد مردم
آن سامان داشت تا اینکه البرز شرقی در اثروگذاری به بخش خصوصی از چهار سال پیش به
ورطه ای افتاد که انتهای آن نابودی محض بود. شرکت زیان ده ترین دوران خود را می گذراند،
محصولات خریداری نمی شدند، حقوق کارگران مانده بود و در نهایت همه چیز آمده اعلام ورشکستگی
بود البرز شرقی حتی با واگذاری زمین های خود به شهرداری هم نتوانسته بود دیون خود را تسویه کند.

این شرکت با حدود نیم قرن سابقه فعالیت معدنی و فرصت اشتغال مستقیم تا هفت هزار نفر در گذشته و یک هزار و ۸۳۸ نفر در حال حاضر شامل ۷۸۹ نفر در بخش پیمانکاری و یک هزار و ۴۹ نفر به‌طور امانی، بزرگترین فرصت اشتغال استان سمنان و شهرستان شاهرود محسوب می‌شود.» همچنین آمده است: «معادن زغال‌سنگ تحت پوشش شرکت شامل چهار پروانه بهره برداری در استان سمنان و سه پروانه بهره برداری در استان گلستان است، معادن زغال‌سنگ البرز شرقی به صورت زیرزمینی استخراج می‌شوند و زغال‌سنگ خام آن‌ها در کارخانه زغال‌سویی شرکت فرآوری می‌شود. این شرکت با دارا بودن یک واحد فرآوری زغال‌سنگ، در حال حاضر تنها تولیدکننده عمده کنسانتره زغال‌سنگ در منطقه بوده و تولید اغلب معادن زغال‌سنگ منطقه نیز در این کارخانه فرآوری می‌شود. لذا با توجه به میزان تولید معادن شرکت و مقدار خرید زغال‌سنگ خام از معادن منطقه، افزایش تولید کنسانتره زغال‌سنگ تا ۲۰۰ هزار تن در سال ۹۸ برنامهریزی شده است.» اما معدن یاد شده، طی چند سال گذشته و با توجه به مشکلات و موانع موجود ناشی از مسائل مختلف،... حفظ سطح اشتغال فعلی نیز با سختی مواجه شد که از جمله آن می‌توان به عدم تسویه بدهی ذوب آهن اصفهان به سازمان خصوصی سازی بابت خرید البرز شرقی، نابسامانی در پرداخت حقوق و مزایای پرسنل امانی و پیمانی (عقب ماندگی چهار ماهه حقوق) اشاره کرد.» (۱)

چگونگی رخداد اول ماه مه در معدن طزره دامغان :

گزارش خبری مربوط به این جنایت در سطح همه خبرگزاری های رسمی نظام به یک زیان اینگونه آمده است: «حادثه ریزش معدن زغال سنگ طزره دامغان در حدود ساعت ۱۲ ظهر روز شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه در تونل شماره ۴۲ معدن بزرگ طزره از معادن چهارگانه شرکت زغال سنگ البرز شرقی و در کارگاه استخراج ۱۳ k پیشرو، هنگام استخراج و به دلیل ریزش ناگهانی سقف کارگاه رخ داد. کارگاه استخراج این تونل حدود ۷۰ متر طول دارد که حادثه ریزش در ۳۵ متری آن رخ داده است، در این حادثه دو معدنکار و کارگر پیمانکاری شرکت به نام‌های میلاد روشنائی و سید اصغر افضلی دچار حادثه شدند» (۲) برپایه خبرهای منتشره سرانجام، شامگاه پنجشنبه ۱۶ اردیبهشت پس از حدود ۱۳۰ ساعت، پیکر این ۲ معدنچی از زیر آوار خارج شد. کارگران جان‌باخته هر دو کمتر از ۴۰ سال سن داشتند و متاهل بودند، مجموعه معادن زغال سنگ البرز شرقی در منطقه طزره دامغان در مناطق سردسیر و کوهستانی جنوب رشته کوه‌های البرز و در فاصله ۵۰ کیلومتری شهرستان دامغان واقع شده است.

هیچیک این خبرگزاری ها نمی پرسند ؛ آنگاه که قانون کارکشور این روز را تعطیل اعلان می دارد؛ چرا باید درب معدن زغال سنگ بروی کارگرباز باشد تا جان سپارد و خانواده و جامعه شهری را در سوگ فرو برد؟

طبق قانون کار آمده است: «یازدهم اردیبهشت ماه مصادف با روز جهانی کارگراست و مطابق ماده ۶۳ قانون کار جزو تعطیلات رسمی کارگران به شمار می رود.» در برابر قانون، کارفرمایان بخش خصوصی معادن به شکل نانوخته معتقدند که به دلایل اقتصادی نباید فعالیت کارگاهها حتی در روزهای تعطیل رسمی متوقف شود اما برابر قانون، تعطیلات رسمی جزو حقوق قانونی کارگران به شمار می آید و بکارگیری نیروی کار در این ایام مستلزم در نظر گرفتن مزایای انجام کار است. در برابر این جنایت آشکار سرمایه داری مفت خور بخش خصوصی، همین اعلان مزایا است که کارگر معدن در مقابل هزینه گران

زندگی و نداشتن تشکل که به دفاع از موجودیت او برآید، کارگرا به کار وا می‌دارد. در این باره « طبق تبصره یک ماده ۶۲ قانون کار ۴۰ درصد اضافه‌مزد به عنوان مزایای اضافه‌کاری به وی تعلق می‌گیرد. » در مقابل حوادث پُرشمار معادن بیان یک نکته الزامی است؛ چنانچه کارگران در سطح معادن که بخش پرخطر اشتغال است، تشکل داشته باشند، می‌توانند رعایت اصول ایمنی را در صدر مطالبات خود قرار دهند و کارفرمایان تحت هیچ شرایطی نخواهند توانست با جان آنها به راحتی بازی کنند و در روز تعطیلی اول ماه مه، کارگران را با وعده اضافه‌کاری؛ به درون تونل‌های ناامن زیر زمین روانه سازند. در معادن هرآنگاه که تشکل مستقل کارگری که به بلوک‌های ثروت و قدرت وابستگی نبوده، حضور نداشته باشد، بیگاری و برده‌داری به وضوح دیده می‌شود.

این اولین بار نیست که کارگران با حوادث ریزش معدن روبرو شده‌اند و جان عزیز خود را از دست داده‌اند، با این وجود تاکنون هیچ تغییر و بهبودی در شرایط ایمنی کار برای کارگران معدن صورت نگرفته است. چهار سال پیش در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶، طی انفجاری که در معدن زغال سنگ یورت (واقع در ۹۰ کیلومتری شرق شهر گرگان) رخ داد ۴۳ معدنچی جان باختند که در نوع خود به یک تراژدی ملی مبدل گردید. برپایه خبر گزارش منتشره آمده است: «در استان مازندران نیز اتفاقات در معادن به ویژه زغال سنگ چشمگیر است به طوری که بر اساس آمارهای ثبت شده در نظام مهندسی معدن مازندران، از سال ۱۳۹۵ تا پایان سال ۱۳۹۹ در این استان دست‌کم ۲۲ حادثه در معادن این استان رخ داد که حاصل آنها جان باختن ۱۲ کارگر معدن و مصدوم شدن ۲۵ نفر بود. عمده حوادث مربوط به معادن زغال سنگ بودند.» (۳) باید گفت: معادنی که دلار و دلار پول به جیب کارفرمایان معادن می‌ریزند، خود به کارخانه تولید مرگ بدل شده‌اند تا داغداران خاموش کی و کجا فریاد بزنند...

کارگران معادن جان خود را در قبال دریافت دستمزد حداقلی، کف دستشان می‌گیرند و هر روز در یک قدمی مرگ کار می‌کنند. پای صحبت بسیاری از این کارگران که بنشینیم، متوجه خواهیم شد که باوجود کار در چنین شرایطی نه تنها دستمزدی بیش از سایر کارگران دریافت نمی‌کنند بلکه گاهی اندک دستمزد و حقوقشان نیز نادیده گرفته می‌شود. معوقات مزدی، عدم پرداخت حق بیمه و یا رد شدن لیست بیمه‌ای آنها در رده‌ی مشاغل عادی و بدون محاسبه‌ی سخت و زیان‌آور بودن شغل، از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های این کارگران است. علی‌رغم اینکه طبق ماده ۵۲ قانون کار، کار این کارگران، نباید در روز از ۶ ساعت و در هفته از ۳۶ ساعت تجاوز کند اما آن‌ها گاهی مجبورند بیش از یک شیفت کار کنند تا درآمدشان کفاف هزینه‌های زندگی را بدهد!

کارگران معدن که بدون برخورداری بودن از وسائل و امکانات امنیتی به داخل تونل‌ها فرستاده می‌شوند تا در قبال ناچیزترین دستمزدها، در دل تاریکی زمین برای سرمایه‌داران، سود تولید کنند. در معدن طزره دو کارگر، جان خود را برای لقمه‌ی نان در محیط کاری بی‌امن از دست دادند، محیطی که خالی از امکانات و وسائل امنیتی و کمک‌رسانی مناسب در زمان حوادث کاری می‌باشد. باید گفت: جان کارگران برای صاحبان سرمایه هیچ ارزشی ندارد. سرمایه‌داران می‌دانند که لشکر ذخیره بیکاران همیشه در پشت درب کارخانه‌ها و معادن به صف شده‌اند و مهم نیست که جان کارگر در حین تولید سود برای کارفرمایان و سرمایه‌داران گرفته شود. اما نیک می‌دانیم که همواره تمهیداتی وجود دارد که احتمال رخ دادن این حوادث را کاهش می‌دهد. از جمله؛ آموزش کارگران، امنیت محل کار و مهم‌تر از همه اینها نظارت بازرسان کار در کارگاه‌ها که اگر به صورت مستمر و با دقت بالا انجام شود، قطعاً می‌تواند در کاهش چنین حوادثی بسیار موثر باشد و بر فراز این تمهیدات وجود

تشکل مستقل خود کارگران معدن است که می تواند تضمین کافی برای انتقال این آموزش های لازم به کارگران را بعهده گیرد و خاصه با تمهید وضعیت استخدامی و بیمه حوادث و بیکاری، موقعیت آینده کارگران را تامین نماید. چنانچه موارد یاد شده جدی گرفته شود، دیگر حداقل شاهد این حجم از رویدادها و عادی سازی آنها نخواهیم بود. در ایران رخداد حوادث حین کار در مشاغل سخت و خاصه در معادن تا به امروز خسارات جبران ناپذیری را متوجه امنیت شغلی کارگران و خانواده های آنها نموده است.

اواخر سال ۹۸، در یکی از جمعه های منتهی به سال جدید، زمانی که ایوب مارندگانی کارگر معدنچی شاغل در معدن ۱۴.۱۲ در شهرستان کوهنجان برای جبران کسری حقوق ماهانه ای که کفاف هزینه های زندگی را نمی داد، مجبور به کار در تنها روز تعطیلی خود بود، بر اثر کشیده شدن دستگاه بونکر بر بدنش جان سپرد. همان زمان همکاران او دلنوشته ای را نوشتند که شاید آوردن بخش هایی از آن، حق مطلب را برای سخن پایانی یادداشت کارگری هفته ادا کند.

آنها نوشتند: « حوادث کار سلسله وار چراغ خانه های زیادی را خاموش و خانواده ای را بی سرپرست می کند. این بار نوبت به ایوب مارندگانی رسید تا در روز جمعه برای اندک مزدی که در روز استراحت نصیبش می شد، جان خود را جهت چرخاندن چرخ زندگی از دست بدهد، به کجا رسیده ایم که باید از استراحت و تفریح در کنار خانواده بگذریم تا بتوانیم زندگی مان را بچرخانیم مشکلی که به ست دولت ها به فراموشی سپرده شده است.

گویا این قصه غمبار و مرگ تلخ معدنکاران از زمستان یورت گرفته تا معادن اشکلی زرند کرمان و مرگ های تک نفره در سایر معادن زغال سنگ این استان و سایر معادن و مدفون شدن کارگران در زیر خروارها خاک همچنان ادامه دارد؛ نه کسی درد این کارگران را فهمید و نه هیچ ارگان و یا نهادی پاسخگوی مرگ تلخ و حوادث ناگوار و سخت این کارگران نیست و نخواهد بود.

آیا باید همه کارگران در معادن چنین سرنوشتی داشته باشند؟ آیا ما کارگران نباید طعم روزهای خوش و زندگی در کنار خانواده را بچشیم؟ علاوه بر سختی کارمان سختی مرگمان و مشکلات دردناک بیماری شغلی مان است اما نه گوشی برای شنیدن و نه قانونی برای اجرا شدن است؛ متأسفانه قانون در معادن روی کاغذ اجرا می شود.

سخت ترین کار، کمترین مزد، کوتاهترین عمر؛ دنیای تاریک یک معدن کار، بدرود روزهای روشن». (۴)

باید به این معادلات نابرابر پایان داد.

منابع :

(۱) - (خبرگزاری مهر، معادن البرز شرقی راهی برای توسعه، ۲ تیر ۱۳۹۸)
<https://www.mehrnews.com/news/4638506>

(۲) - (خبرگزاری ایسنا، پیدا شدن جسد معدنچیان طزره، پنجشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰)

<https://www.isna.ir/news/140021611078>

(۳) - (سایت معدن و فولاد، روند کاهشی حوادث معدنی کشور در دهه ۹۰، ۰۱، خرداد ۱۴۰۰)

[/http://miningandsteel.ir/2021/05/11803](http://miningandsteel.ir/2021/05/11803)

(۴) - (خبرگزاری کار ایران - ایلنا، دلنوشته کارگران معدن...، ۱۲ اسفند ۱۳۹۸)

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-866419>

روز شمار کارگری هفته شماره های ۷ و ۶ را از سایت

روز شمار کارگری، لینک زیر می توانید دنبال کنید

<http://karegari.com/maghalat/2021/05/24/Roozshomar%20kargari%206,%207%20AmiR.pdf>